

آینه

گفت‌و گو / عبدالله نوری: آیت‌الله طاهری همیشه پیشرو بود
آقای طاهری در اختلافات فکری اصفهان طرف دعوا نبودند در مباحث عقیدتی ایشان هیچ‌وقت مورد بحث قرار نمی‌گرفتند برای او چارچوب علمی، ایمانی و مبارزاتی امام مطرح بود.. انقلاب که پیروز شد مثل همه‌جا ایشان هم احساس مسوولیت کردند که نهادهای انقلابی شکل بگیرد و پیگیری کردند تا کارهایی که لازم است، انجام شود.
چپ‌سا در آن دوران جریانات چپ افراطی یکسری حرکات تندى می‌خواستند بکنند که آیت‌الله طاهری در برابر این جریانات حضور فعال داشتند و نفر اول بودند. تهران هم ه‌رفت می‌خواستند در اصفهان به کسی مراجعه کنند با آیت‌الله طاهری مشورت می‌کردند و نظر ایشان را می‌خواستند. مثلا برای تعیین استاندار، تشکیل سپاه، جهاد و.. در همه این تصمیم‌ها ایشان نماینده معتمد مردم اصفهان بودند. در مسایل مختلف ایشان نفر اول و چهره مردمی بودند. مثلا در انتخابات خیرگان کاندیدا می‌شدند و به علت مقبولیت تام فاصله زیادی با نفر دوم داشتند. در جنگ و جبهه هم نفر اولی بود که از رزمندگان حمایت می‌کردند چه بسیار کمک‌های مردمی را جمع و در جبهه‌ها حضور پیدا کرد. نیروهای مختلف مردمی را برای جبهه بسیج کرد البته دیگران هم بودند؛ روحانی و غیرروحانی ولی نفر اول آقای طاهری بود و این نقش بی‌بدیل غیرقابل کتمان است.

رسالت

یادداشت: «اصولگرایان؛ ضرورت خروج از رخت سیاسی»؛ امیر محبیان
مدت‌هاست که نوعی از سکوت بر فضای جریان اصولگرایی حاکم است... پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ عملا همان گونه که انتظار می‌فت فضای دوقطبی اصولگرا-اصلاح‌طلب تحت‌الشعاع دوقطبی اعتدال – افراط قرار گرفت. همین امر تا حدودی باعث شد که مباحث چالشی میان این دو‌جانب به حاشیه رود.. با ضرباتی که از دو‌خرداد۷۶ به جایگاه جامعیتین... وارد شد و سپس بعضی از جریانات تندرو درون اصولگرایان محوریت جامعیتین را زیر سوال بردند؛ عملا نقش این محور در رهبری جریان اصولگرا کاهش یافت.. با کاهش نقش جمعیتین وزن ایدئولوژیک جریان اصولگرا به صورت قابل مشاهده‌ای کاسته شد.. برای هرگونه حرکت آتی لازم است جایگاه جمعیتین در جریان اصولگرا مجددا بازسازی شود.. ادامه این رخت سیاسی به مصلحت نیست؛ از سوی دیگر ورود به چالش‌ها بدون برنامه و ساماندهی مناسب، به‌واقع برنامه‌ریزی برای شکست است. به‌زودی فضای لازم برای خروج از رخت فراهم خواهد شد و آن نزدیکی به زمان فعالیت برای انتخابات مجلس است.. از هم‌اکنون باید برای ورود هوشمندانه و سامان‌مند به فضای سیاسی آماده شد والا در غیر این صورت تغییرات باقیمانده موقعیت اجتماعی اصولگرایان را با مخاطره روبه‌رو خواهد کرد.

کین

«توضیح وزارت ارشاد و سوال کیهان: چرا از مسوولیت قانونی طفره می‌روید؟»
معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد در واکنش به خبر ویژه و گفت‌وشنود روز شنبه ۱۰ خرداد توضیحی ارائه کرد. در توضیح... آمده است: «۱- در پی درگشتن صاحب امتیاز نشریه «ایران فردا» و با توجه به رفع توقیف این نشریه (به استناد رای مورخ ۸۸/۱۱/۱۹ شعبه ۸۰۴ دادگاه عمومی جزایی تهران) هیات محترم نظارت بر مطبوعات در جلسه مورخ ۹۲/۴/۲۴ با انتقال امتیاز به نماینده ورته قانونی متوفی، موافقت کرده است. همچنین پرونده مدیرمسول معرفی‌شده هنوز در هیات محترم مطرح نشده‌است و انتشار این نشریه در چارچوب ماده ۱۴ قانون مطبوعات صورت می‌پذیرد. ۲- نشریه «زنان» در جلسه مورخ ۸۶/۱۱/۲۸ هیات محترم نظارت بر مطبوعات لغو پروانه شده‌است. صاحب امتیاز آن در اردیبهشت سال بعد تقاضای انتشار نشریه‌ای جدید تسلیم کرده است. هیات محترم نظارت بر مطبوعات نیز با توجه به نوبت طرح، در جلسه مورخ ۹۲/۹/۱۸ خود با انتشار نشریه «زنان امروز» موافقت کرده.. بنابراین انتساب این مجوزها به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌ویژه سیاقی عبارات و ابیات آن روزنامه می‌تواند مصداق عناوین مجرمانه نشر اکاذیب، تهمت و تشویش اذهان عمومی باشد و ضمنا نشانگر میزان اطلاع از قانون مطبوعات در مرجع صدور مجوز نشریات است.. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید مورد اول در دولت دهم انجام پذیرفته.. درباره این واکنش، توضیحاتی ضروری به‌نظر می‌رسد: ... صورت مساله اصلی این است که در برابر برنامه سازمان‌یافته دشمنان نمی‌توان از خود سلب مسوولیت کرد و مثلا توپ را در زمین قوه‌قضاییه، یا هیات نظارت بر مطبوعات یا دولت قبلی و... انداخت... اجازه تجدید حیات نشریات زنجیرهای توقیف شده- مثلا در پوشش مجوز تازه و اردوکنشی همان تیم‌های مفسد به نشریات جدید- عملی مجرمانه و ضدامنیت ملی و خیانت به جمهوری اسلامی است- را سوی هر نهادهی که صورت گیرد، خواه در دولت قبلی و خواه در دولت فعلی.



یادداشت: «مغالطه شلاق و بهشت»؛ کبری اسوایر
سوال اول این نیست که آیا می‌توان انسان‌ها را با شلاق به بهشت برد یا خیر؛ بلکه سوال اول آن است که چه کسی مدعی شده می‌توان با شلاق مردم را به بهشت برد که حال بتوان درباره درستی یا نادرستی آن قلم زد و سخن رااد؟! مغالطه «پهلوان پنبه یا مرد پوشالی» اینگونه‌است که فرد در مواجهه با گزاره‌ای که نمی‌خواهد آن را بپذیرد و استدلالی هم در رد آن ندارد، مدعای ساختوپروداخته ذهن خود را به جای مدعای اصلی جازه و رد می‌کند. حد مغالطه.. آندر بالا هست که می‌توان با کمی شوخ‌طبعی، یک عنوان به فهرست مغالطه‌های موجود در علم منطق اضافه کرد و آن را مغالطه «شلاق و بهشت» نامید!

سیاست

یادداشت

بزرگی از بزرگان

هدایت و رهبری انقلابی عظیم با مضمون دینی و رهایی ملت از استبداد داخلی و استیلای خارجی انکار کرده یا کم‌فروغ نمایانیم. هرچند که عظمت و شکوه اقدامات سست‌رگ بزرگان و آثار به‌جای مانده از آنان نمی‌تواند بهانه‌ای برای بسته‌شدن «نقد» و «گفت‌وگو» در پیرامون آن باشد و اتفاقا اگر از سر انصاف و ادب و آداب باشد، بزرگی آنان و آثارشان را فرونمی‌کاهد. به باور این قلم، درک عظمت و گستردگی تلاش‌ها و موضع‌گیری‌ها و مجاهدت‌های رهبری فقید انقلاب بدون درک و بررسی قدرت بالای بسیج‌کنندگی و سازماندهی مسلمانان، امام خمینی(ره) را باید از بزرگ‌ترین بزرگان عصر ما دانست. البته مردان بزرگ و دوران‌ساز و چهره‌های ممتاز تاریخ همواره از دوسو متضاد داوری می‌شوند. از یک‌سو از سر شیدایی و دلدادگی یکسره ستایش و تجلیل و تکریم و در دگر سو از درجه نفرت و بی‌زاری. اما با هر نظر و اندیشه و با هر مشرب فکری و مسلک سیاسی اگر کمترین بهره‌ای از انصاف و اخلاق و عدالت برده باشیم، نمی‌توان شخصیت فرهنگند و نقش بی‌بدیل امام خمینی(ره) را در روشنفکران، سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی و... درخصوص

هدایت و رهبری انقلابی عظیم با مضمون دینی و رهایی ملت از استبداد داخلی و استیلای خارجی انکار کرده یا کم‌فروغ نمایانیم. هرچند که عظمت و شکوه اقدامات سست‌رگ بزرگان و آثار به‌جای مانده از آنان نمی‌تواند بهانه‌ای برای بسته‌شدن «نقد» و «گفت‌وگو» در پیرامون آن باشد و اتفاقا اگر از سر انصاف و ادب و آداب باشد، بزرگی آنان و آثارشان را فرونمی‌کاهد. به باور این قلم، درک عظمت و گستردگی تلاش‌ها و موضع‌گیری‌ها و مجاهدت‌های رهبری فقید انقلاب بدون درک و بررسی قدرت بالای بسیج‌کنندگی و سازماندهی مسلمانان، امام خمینی(ره) را باید از بزرگ‌ترین بزرگان عصر ما دانست. البته مردان بزرگ و دوران‌ساز و چهره‌های ممتاز تاریخ همواره از دوسو متضاد داوری می‌شوند. از یک‌سو از سر شیدایی و دلدادگی یکسره ستایش و تجلیل و تکریم و در دگر سو از درجه نفرت و بی‌زاری. اما با هر نظر و اندیشه و با هر مشرب فکری و مسلک سیاسی اگر کمترین بهره‌ای از انصاف و اخلاق و عدالت برده باشیم، نمی‌توان شخصیت فرهنگند و نقش بی‌بدیل امام خمینی(ره) را در روشنفکران، سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی و... درخصوص

سیدحسن خمینی:

نمی‌توانیم به عصر قبل از «اینترنت» برگردیم

هر وسیله‌ای ساخته می‌شود، ابتدا، همه می‌ترسند و فکر می‌کنند دین را از بین می‌برد



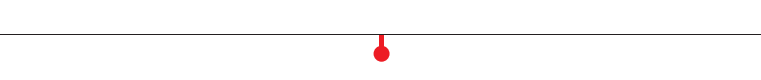
علی‌اصغر

بنیاسد و به آنها خضوع و احترام نکند؟ شناخت این بزرگان به ابزاری لازم دارد که البته ابزار اگر در دست دشمن باشد ضرر کرده‌ایم اما باید به‌راحتی در دست دوست قرار بگیرد،»او در پایان سخنان خود با تاکید بر اینکه انقلاب اسلامی با آگاهی‌بخشی استمرار می‌یابد، گفت: «هرچه در این بعد

روز گذشته، رئیس جمعیت هلال‌احمر و جمعی از اعضای سازمان جوانان این جمعیت با حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی دیدار کردند. در این دیدار تندیس «کبوتر صلح» به‌عنوان نماد صلح و کرامت انسانی از سوی دکتر فرهادی و دکتر قبادی (رئیس سازمان جوانان هلال‌احمر) به یادگار اهدا شد. پیشتر جمعیت هلال‌احمر در دیدار با دکتر حسن روحانی، این تندیس را به رئیس‌جمهوری اهدا کرده بودند.

تقدیم تندیس کبوتر صلح به سیدحسن خمینی

روز گذشته، رئیس جمعیت هلال‌احمر و جمعی از اعضای سازمان جوانان این جمعیت با حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی دیدار کردند. در این دیدار تندیس «کبوتر صلح» به‌عنوان نماد صلح و کرامت انسانی از سوی دکتر فرهادی و دکتر قبادی (رئیس سازمان جوانان هلال‌احمر) به یادگار اهدا شد. پیشتر جمعیت هلال‌احمر در دیدار با دکتر حسن روحانی، این تندیس را به رئیس‌جمهوری اهدا کرده بودند.



علی‌اصغر

سکوت رئیس دولت دهم می‌شکند؟

امشب؛ سخنرانی «احمدی‌نژاد» در مشهد

در جلسات مشترک و دو نفره هم کمتر شرکت می‌کند تا شاید آنها را آسیاب بپفتد. سخنان «علی‌اکبر جوفنگفر» هم تاییدی است بر تکتیکی‌بودن این فاصله. او به «آریا» گفته است که هنوز هم رئیس دولت‌های نهم و دهم به بار غار خود وفادار است و «روابط برادرانه و دوستانه میان احمدی‌نژاد و مشایی هیچ‌گاه تحت تأثیر مسایل سیاسی

مستند احمدی‌نژاد هم می‌آید

دیروز همچنین سایات پیامنو نوشت: مستند زندگی احمدی‌نژاد با عنوان «در رویای بهار» تا دو هفته دیگر در یکی از دانشگاه‌های کشور رونمایی می‌شود و سازندگان آن قصد دارند از احمدی‌نژاد هم برای حضور در این مراسم دعوت کنند. مستند زندگی احمدی‌نژاد را شاخه جوانان «حزب فرزندان ایران» ساخته است. «جمشید ایرانی»، دبیر کل این حزب درباره ساخت این مستند می‌گوید: «این کار بیشتر یک کار تطبیقی است. یعنی فعالیت‌گری نیست، بلکه گزارش‌گری و نقد است. فیلم «من روحانی هستم» بیشتر سعی داشت تا با تکیه بر یک سری اطلاعات خاص دست به افشاکاری علیه رئیس‌جمهوری بزند، «ایرانی» گفته‌است: «برای یک آدم سیاسی این سوال پیش می‌آید که چرا عدمای تلاش دارند تا کار کردارها و قول‌ها و وعده‌ها و شعارهای آقای احمدی‌نژاد و همچنین نتیجه کارهای او را باد بروند؟ چرا تلاش دارند تا مردم او را فراموش کنند؟ دلیل این مساله هم مشخص است، چون اگر به احمدی‌نژاد بپردازند از آنجا به سهرار بورسیه فقرقانونی و استخدام‌های خارج از ضوابط و رانت‌های اقتصادی و... می‌رسند. مشخص است که دوست ندارند به احمدی‌نژاد بپردازند. ما نباید اجازه دهیم که احمدی‌نژاد و دوران او فراموش شود و به گونه‌ای وانمود شود که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است»

یادداشت

است. هوشمندانه با اتخاذ رویکردی مستقل و «درون‌زا»، همه پیش‌فرض‌های رویارویی با نظام سلطنت از قبیل: اصلاح و فرسـم، کودتا، انکا بر حمایت‌های خارجی و براندازی مسلحانه را غیرممکن و ناکارآمد معرفی کرد و نشان داد تنها با فراگیرکردن مبارزه و همگانی کردن آن به‌جای «نخبه‌گرایی» می‌توان رژیم را به تلاشی برد. او با تکیه بر وجه رحمانی اسلام و تبیین استراتژی پیروزی خون بر شمشیر و نشاندن «گل» در برابر «گلوله» و نیز مخاطب قرارادن بدنه ارتش، ماشین نظامی رژیم را از کار انداخت و بدون تکیه بر خشونت و ویرانگری به شیوه سالمات‌آمیز از خسارت اجتناب‌ناپذیر و معمول انقلاب‌ها جلوگیری کرد. او با کار بزرگ خویش به افسانه ناتوانی دین در برانگیختن مردم و سازمان‌بخشی آنها در قالب یک انقلاب رهایی‌بخش پایان داد و در ادامه با تکیه بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های دین با طرح جمهوری اسلامی مفهوم «پارادوکسیکال» (متناقض‌نما)بودن این گزاره را بی‌اعتبار ساخت. صرف‌نظر از اینکه امروز درخصوص «میراث» او یعنی نظام مردمسالار سازگار با دین چه قضایاتی داشته‌باشیم، نمی‌توان حکم به بزرگی او بلکه بزرگ‌ترین بزرگان دوران ما نداد.»

«خدایش رحمت کناد»

ادامه از صفحه ۲

تمایزهای آیت‌الله طاهری

فراز دیگر مبارزات دلیرانه و خستگی‌ناپذیر و روشنگرانه ایشان به‌ویژه در دهه ۵۰ و رهبری مبارزان و طبقه جوان و آگاه اصفهان است. آیت‌الله طاهری با قبول این مسوولیت سستگین، جان بر کف نهاد و آماده شهادت شد به طوری که بارها نماز جمعه توسط ساواک تعطیل شد، ایشان به زندان و تبعید افتاد تا بالاخره ساواک شبیه ایشان را ربود و به تهران فرستاد اما آن مبارز نستوه هرگز تسلیم نشد. همین دستگیری منشأ تحصنی تاریخی و حرکت عظیمی شد که تا پیروزی انقلاب فرونخواید. ایشان با پیروزی انقلاب باز هم ارشاد و تبلیغ را فرونگذاشت و مردم و محرومان را رها نکرد. در جنگ تحمیلی هیچ‌گاه گوشه غایت نجست و همراه رزمندگان در جبهه‌های نبرد و حتی خطوط مقدم شرکت کرد و فرزند نوجوانش نیز در راه دفاع از وطن به شهادت رسید و یک‌پرش بر تگشت اما او صوری‌ورزید. همه این قهرمانی‌ها و جافشانی‌ها به خصلت آزادی‌گی او برمی‌گردد؛ خصلتی که او را اسیر هیچ خواسته و منصبی نکرد و او را از دیگران متفاوت و متمایز کرد. او در سراسر حیات خود به سکون و سکوت رضایت نمی‌داد بلکه دمساز با تحول بود، روحش شاد.

ادامه از صفحه ۳

آیت‌الله طاهری؛ مجاهد دانشمند

این امر از خطبه‌های عالمانه و پر مغزی که در نمازجمعه ایراد می‌فرمود، نمایان بود. اگرچه آزار و اذیت‌های پیش از انقلاب ساواک و مزاحمت برخی دوستان ناهمراه وی را از راه مبارزه و رسیدگی به امور مردم بازنداشت و اوقات زیادی را صرف مبارزه برای برپایی نظام اسلامی و تدوام آن کرد، اما آثار علمی‌ای که از ایشان باقی مانده، گویای این واقعیت است که آیت‌الله طاهری هیچ‌گاه از درس و مدرسه فاصله نگرفت و این دو فعالیت از شمعان را توانمن، سامان می‌داد. تا آنجا که نزدیکیان آیت‌الله خبر داده‌اند، مجموعه‌ای از فرمایشات ارزشمند این مجاهد نستوه و دانشمند بزرگ اسلامی، که در خطبه‌های نمازجمعه اصفهان ایراد می‌کرد، جمع‌آوری شده و نشان می‌دهد که مسایل مردم و نیازهای افراد جامعه، به صورت علمی و با پشتوانه قوی تحقیقاتی و مطالعاتی عرضه می‌شده‌است. کوتاه سخن اینکه محروم آیت‌الله طاهری‌اصفه‌ای خدمات ارزنده‌ای از طریق پایگاه ارزشمند نمازجمعه اصفهان به مردم منطقه و به انقلاب اسلامی عرضه کرده که آثار آن در انگیزدادن به مردم و به‌خصوص نیروهای جوان استان اصفهان به هنگام جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران به وضوح مشاهده می‌شد. خداوند بر درجات این مجاهد دانشمند بیفزاید.

چرا چین به ایران نیازمند است

با وجود همه این شواهد دال بر همکاری ترکیه و چین به نظر می‌رسد که ترکیه به صورت روزافزونی از رقابت با ایران بر سر تبدیل‌شدن به محور استراتژیک چین در خاورمیانه ناتوان باشد و دلیل اصلی این امر نیز خط سیر جنگ داخلی سوریه است. سرمایه‌گذاری سیاسی ترکیه برای حذف فشار اسد منجر به حمایت از گروه‌های اپوزیسیون سوریه‌ای شده است. حمایت سریع آنکارا از «ارتش آزاد سوریه» با ناتوانی آنها در دستیابی به پیروزی سریع و در نهایت تندرو شدن گروه و ورود گروه‌های بنیادگرا و النصره خنثی شد. برآورد غلط آنکارا از گسترش خواسته‌های این گروه‌ها و همچنین سیاست‌های ناهمگون نسبت به سوریه باعث شد تا برخی از جریان‌های سیاسی ترکیه از حمایت خود از آنهاعقب‌شنینند.

اما از سویی دیگر نفوذ ایران از سوریه به لبنان و از آنجا به حزب‌الله در نزدیکی اسرائیل می‌رسد و از دولت سوریه حمایت می‌کند. محاسبه اشتباه ترکیه باعث ایجاد مساله‌ای فرنج برای این کشور شده‌است، چرا که هیچ جای مرز طولانی ترکیه با سوریه در اختیار گروه‌های متحد آنکارا نیست. در این مناطق یا گروه‌های کرد سوری وجود دارند - که برای استقلال می‌جنگند - یا گروه‌های شبهنظامی که به دلایل سیاسی به دنبال جایگزین کردن اسد هستند یا ارتش اسد قرار دارد که در پی انتقام از ترکیه است. تغییرات اخیر میان جنگ سوریه، ترکیه را مجاب کرده‌است تا به کنار واگشتن بیاید و تعهدات خود نسبت به ناتو را به انجام برساند تا از گزند بی‌بثابتی در سوریه در امان باشد. این به این معناست که ترکیه به زودی بار دیگر به اسرائیل نزدیک خواهد شد و سیستم دفاع موشکی ناتو را به‌عنوان اساس تعهدات خود به غرب قبول خواهد کرد. و از همه اینها می‌توان چنین نتیجه گرفت که ترکیه ناگزیر باید از سیاست بیمار و خودسرانه خود کوتاه بیاید و دوباره به ناتو و غرب نزدیک شود. ناگفته پیداست که این به معنی محدودشدن رابطه با چین خواهد بود.

خودزنی ترکیه در حصار سوریه؛ جایی که قرار بود استقلال خود از ناتو را نشان دهد موقعیت متضادی را به وجود آورده‌است، چرا که با گسترش روسیه در دریای سیاه، ترکیه به ناتو بیش از آنچه یک دهه پیش نیاز داشت، محتاج است. درحالی‌که ایران نیازی به ناتو ندارد و از سویی دیگر ایران با موفقیت از مساله سوریه در حال گذر است. از این‌رو در موقعیت استراتژیک بسیار قوی‌تری نسبت به ترکیه قرار دارد. این دلایلی است که بر قنایت ترکیه و ایران بر سر مرز اصلی چین در خاورمیانه با پیروزی ایران به پایان رسیده‌است. البته پیش‌بینی می‌شود که رابطه ترکیه و چین در آینده بارورتر شود، اما در هر صورت ترکیه علاقه چین به خود را به‌عنوان یک محور استراتژیک در منطقه از دست داده است.